

پیام به مناسبت برگزاری سمینار هفته وحدت حوزه و دانشگاه / ۱۳۶۰/۰۹/۲۷

انقلاب اسلامی ایران، قبل از هر چیز، یک انقلاب معنوی است. اگر این انقلاب که خود حاصل فداکاری‌ها و ایثارهای همه‌ی مردم، از جمله روحانیون و دانشگاهیان است توانسته باشد که مبشر و مبلغ معنویت و مروج آن در جامعه شود، به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست یافته است. حضور و رسوخ معنویت، در جامعه به وضوح دیده می‌شود و در همه ابعاد آن، از جنگ که اولین مساله است تا کارخانه، خانه، مدرسه، و حتی در نحوه مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می‌خورد. بدیهی است که هم در دانشگاه و هم در حوزه‌های علمیه، نباید جز این باشد. خلا معنویت، از آفات اجتماعی در رژیم گذشته بوده است. دانشگاهها و حوزه‌ها برای دفع این آفت، در خود و در جامعه، نقش مهم و مسوولیت عمده بر عهده دارند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۶۹/۰۱/۱۰

جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت. این نکته را من عرض کنم که سلطه‌ی واقعی قدرتها، سلطه‌ی فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را، و در مرحله بالاتر، زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه‌ی او، یک سلطه‌ی حقیقی است؛ کاری که در دوره‌ی از این دوپست سال گذشته فرانسویها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره‌ی دیگر انگلیسیها کردند، و در این اواخر امریکاییها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روشهای زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته‌ی به قدرتها نباشد، اما چنانچه قدرتها بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند.

فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در درس خواندن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است. ما نمی‌خواهیم اینها را از غربیها یاد بگیریم و از آنها تقلید کنیم. جمهوری اسلامی، از اول این را نشان داد. در غرب، ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد، یک کار رایج است و عدم حجاب و واسطه و فاصله‌ی بین زن و مرد در معاشرت، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی، همه‌ی مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمت‌ی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آنجا یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی‌قیدوشرط است.

بعضی از کشورهای غربی، در این قسمتها خیلی هم پیش رفته‌اند و زندگی خودشان را به شکهای شرم‌آوری درآورده‌اند و البته پشیمانند. این چیزی است که متفکران و سیاستمداران و برنامه‌ریزان و مدیران کشورهای غربی در آن گیر کرده‌اند و واقعا برایشان مشکل درست کرده است. غرب، این فرهنگ و این خصلت و خو و عادت را به تمام کشورهای دیگر هم صادر کرد. در کشورهای دیگر، چنین فساد اسلامی نبود. در کشورهای اسلامی و حتی کشورهای غیراسلامی شرق هم، چنین چیزی وجود نداشت؛ این را غربیها وارد کردند.

جمهوری اسلامی، در مقابل این مفاسد ایستاد و از اول اعلام کرد که به روابط بی‌بندوبار زن و مرد معتقد نیست؛ معتقد به وجود حجاب و روابط اسلامی میان زن و مرد است، و بر این مساله هم پافشاری کرد. به نظر بعضیها، این یک مساله‌ی فرعی و جزئی است؛ در حالی که اشتباه می‌کنند، این مساله‌ی بسیار مهمی است.

در همین‌جا من عرض بکنم که یکی از مهمترین علل مخالفت شدید و خصمانه‌ی دولتهای غربی با جمهوری اسلامی، همین مساله است. آنها روی این مساله بسیار حساسند. اگر جمهوری اسلامی، در همین یک مساله مقداری کوتاه می‌آمد و اجازه می‌داد که فرهنگ بی‌بندوبار غربی در زمینه‌ی روابط ناسالم زن و مرد در جامعه تحقق پیدا بکند، بسیاری از مخالفت‌هایی که مجامع سیاستمداری و غیرسیاسی غرب با جمهوری اسلامی دارند، کم می‌شد، یا بعضاً از بین می‌رفت. شما می‌بینید که در همین کشور ما، یک روز بی‌حجابی را اجباری کردند؛ اما احدی در دنیا اعتراض نکرد که چرا بی‌حجابی را اجباری می‌کنید؛ در کشور همسایه‌ی ما ترکیه، بی‌حجابی را اجباری کردند و تا همین اواخر هم حتی بعضی از دولتهای ترکیه، همین اجبار و الزام را ادامه می‌دادند - که نمونه‌هایی در همین سالهای اخیر دیده شد - اما هیچ‌کس در دنیا اعتراض نکرد و اعتراض نمی‌کند!

بالاتر از این، در کشورهای اروپایی که خودشان را پیشرفته می‌دانند و در ادعا و تبلیغات، مسایل حقوق بشر و آزادی انسانها برایشان حایز اهمیت است - یعنی فرانسه و انگلیس - اجازه ندادند که چند نفر زن یا دختر مسلمان، با حجاب اسلامی رفت و آمد کنند و به مدارس بروند؛ این‌جا اجبار و الزام را جایز می‌شمارند و در آن ایراد و عیبی نمی‌بینند؛ اما جمهوری اسلامی به خاطر این‌که حجاب را در جامعه الزامی می‌داند، همه‌ی این محافل، آن را مورد اعتراض قرار می‌دهند؛ اگر الزام زنان به شکلی از لباس و زی ابراد دارد، ایراد آن بیشتر از الزام به حجاب است؛ زیرا این به سلامت نزدیکتر است. حداقل این است که این‌دو، با یک نظر دیده بشود؛ اما غرب این‌طوری عمل نمی‌کند.

غرب، جمهوری اسلامی را به عنوان کشوری که در آن، لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ اما آن دولتهایی که برهنگی و نبودن حجاب میان زن و مرد را الزامی می‌کنند، آنها را مورد انتقاد قرار نمی‌دهند؛ این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شده‌ی غرب است. اینها روی این مساله بشدت حساسند.

غرب، روی رواج مشروبات الکلی حساس است و آن را به عنوان یک نکته‌ی مثبت در ملت‌ها و در عادات و آداب آنها می‌شمارد. اگر در یک کشور، مشروبات الکلی ممنوع بود و مصرف کردن آن مجازات داشت، غربیها حساسیت نشان می‌دهند و این را ارتجاع به حساب می‌آورند؛ اما اگر در کشوری مشروبات الکلی آزاد و مجاز و رایج باشد و حکومت نسبت به آن حساسیتی نشان ندهد، بلکه ترویج بکند، این را مستحسن می‌شمارند!

الزام و اجبار مردم به روشهای گوناگون زندگی، تا آنجایی که با فرهنگ غربی منافات نداشته باشد، برای غربیها مجاز است و هیچ ایرادی ندارد. بارها عرض کرده‌ایم، غرب با کشورها و دولتهایی رابطه‌ی حسنه دارد که این دولتها و کشورها، از ابتداییترین روشهای دموکراسی هم محروم و دورند؛ الان اگر شما به همین منطقه‌ی خلیج فارس نگاه کنید، کشورهایی را می‌بینید که انتخابات ندارند، مجلس قانونگذاری ندارند، رئیس کشور را مردم انتخاب نمی‌کنند - ارثی انتخاب می‌شود؛ مثل روشهای عهد دقیانوس -؛ قوانین کشور را پارلمان و نمایندگان مردم وضع نمی‌کنند، بلکه امیر و سلطان وضع می‌کنند؛ اما نه دولتهای غربی و نه مجامع به اصطلاح حقوقی که برای دفاع از آزادیها و حقوق بشر تشکیل شده‌اند و کار می‌کنند، نسبت به اینها هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند.

بیانات در مراسم پنجمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۲/۰۲/۱۲

نظام اسلامی‌ای که امام در این کشور تشکیل داد و به‌وجود آورد، عبارت از این است که شکل زندگی این ملت، قالب و معنای اسلامی پیدا کند و جهتگیری، اسلامی باشد. این نظام اسلامی دارای یک ماده اصلی به نام «ایمان به خدا و غیب» و نیز دارای یک قالب و صورت به نام «شریعت اسلامی» است. چنین نظامی که با مایه ایمان و با صورت و قالب مقررات و شریعت اسلامی، یک نظام اختصاصی استثنایی ناشناخته برای بشر مادی، اما شناخته به‌وسیله مسلمانان است که با اسلام و قرآن آشنا هستند، جز در صدر اسلام، دیگر در طول تاریخ وجود نداشته است، و امروز هم جز در ایران اسلامی در هیچ جای جهان وجود ندارد.

بیانات در مراسم هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۷۶/۰۳/۱۴

ملت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روشهای زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزشهای قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنتهای اصیل ملی و بومی خود را دارد و می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن - اینها عبارته اخراخ یکدیگر است - این یک بعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد؛ یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند - و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرنوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مامور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیبهایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم؛ چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البر و التقوی»، یا: «و اعتمضوا بحبل الله جمیعاً». یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرقوا». چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمیکنیم؟ چرا صله‌ی رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه‌ی فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منضبطی به طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله‌ی کوچکی هم نیست، مسئله‌ی اساسی است. آپارتمان‌نشینی چقدر برای ما ضروری است؟ چقدر درست است؟ چه الزاماتی دارد که باید آنها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت میکنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ی ما چگونه است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه‌ی بخشهای زندگی، داخل در این مقوله‌ی سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله‌ی آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرتهای روزانه، به همدیگر به طور کامل راست می‌گوئیم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها پرخاشگرهای بی‌مورد میکنند؛ علت پرخاشگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ماها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات میکنیم؟ در رسانه‌ها چقدر مراعات میشود؟ در اینترنت چقدر مراعات میشود؟ چقدر به قانون احترام میکنیم؟ علت قانون‌گریزی - که یک بیماری خطرناکی است - در برخی از مردم چیست؟ وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرها‌ی خوب، ایده‌های خوب، در حد رویا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما میگویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه‌ی ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت؛ مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال، بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چه‌رهی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدر بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست. نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تامین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمیگیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، میتواند لیبرالیسم باشد، میتواند کاپیتالیسم باشد، میتواند کمونیسم باشد، میتواند فاشیسم باشد، میتواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی بمجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل میکنند بر غرب‌ستیزی؛ آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدرکشتگی آنچنانی نداریم - البته پدرکشتگی داریم! - غرض نداریم. این حرف، بررسی‌شده است.

تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند. بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی میکنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض میکنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا میرسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.

من سالها پیش - در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ - در منطقه‌ی جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهایی را دیدم که پادشان بود که انگلیس‌ها چگونه تریاک را با شیوه‌های مخصوصی در بین مردم رائج میکردند؛ والا مردم تریاک کشیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت. این افراد پادشان بود، سراغ میدادند و خصوصیاتش را میگفتند. با همین روش‌ها بود که مواد مخدر بتدریج در داخل کشور توسعه پیدا کرد. فرهنگ غربی اینجوری است.

فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.

بنده طرفدار این سیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است.

بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی / ۱۳۹۱/۰۷/۲۲

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - اینها عبارته‌ی اخراجی یکدیگر است - این یک بعد مهم است...

باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیبها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم؛ چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البر و التقوی»، (۱) یا: «و اعصموا بحبل الله جمیعاً». یعنی حتی اعصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرقوا»، (۲)...

اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین» / ۱۳۹۱/۰۹/۰۱

تقویت بسیج، هرچه خالص‌تر کردن و معنوی‌تر کردن عناصر بسیجی، توسعه‌ی فعالیتهای بسیجی به همه‌ی مناطق زندگی، جزو کارهای اساسی است که مجموعه‌ی دست‌اندرکاران بسیج و مرتبیت با آن و فعالان در آن باید دنبال کنند. از خود شروع کردن هم که دستور اسلام به ماهاست؛ همه‌ی ما در همه‌ی سطوح باید اول از خودمان شروع کنیم. «من نصب نفسه للناس اماما فلییدا بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره»، (۱) در همه‌ی سطوح همین جور است. از خودمان باید شروع کنیم؛ این را ما در بسیج جا بیندازیم.

همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج میتواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاہهای برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است. بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین» / ۱۳۹۱/۰۹/۰۱

همین بحث سبک زندگی و اسلوب زندگی به حسب نظر اسلام، این در داخل بسیج میتواند یک معیار برای خودشناسی باشد. بحث این نیست که دستگاہهای برتر و بالاتر بیایند ما را عیار بزنند، ببینند چه جوری است. بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیر دست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما

چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این میشود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.

بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی / ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

در نهضت‌های بیداری اسلامی باید تجربه‌ی تلخ و دهشتناک تبعیت از غرب در سیاست و اخلاق و رفتار و سبک زندگی، مورد توجه دائم باشد. کشورهای مسلمان در بیش از یک قرن تبعیت از فرهنگ و سیاست دولتهای مستکبر، به آفات مهلکی همچون وابستگی و ذلت سیاسی، فلاکت و فقر اقتصادی، سقوط فضیلت و اخلاق، عقب‌ماندگی خجلت‌آور علمی، دچار شدند؛ و این در حالی بود که امت اسلامی از سابقه‌ای افتخارآنگیز در همه‌ی این عرصه‌ها برخوردار بود.

بیانات در دیدار جمعی از فرهنگیان / ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

این سند تحول باید ما را به سمت هدفهای اسلامی حرکت دهد؛ باید جامعه را به سبک زندگی حقیقتا اسلامی پیش ببرد؛ باید بتواند در ما خصلتهای والای انسانی را به وجود بیاورد. ما امروز در خودمان، در خلیات خودمان، در رفتار خودمان، نقائصی مشاهده میکنیم؛ این نقائص باید برطرف شود. استعداد بشری در جامعه‌ی ایرانی، یک استعداد انبوه و سرشار است؛ این استعداد باید امکان بروز پیدا کند، جهت صحیح پیدا کند. این سند تحول ناظر به یک چنین چیزی است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۲/۰۲/۱۸

مسابقات و این جلسات بهانه است برای مطرح شدن قرآن و نزدیک شدن به حقیقت قرآن و روح قرآن. تلاوت هم یک وسیله‌ای است برای رسیدن به حقیقت قرآن، فرا گرفتن معارف قرآن، شکل دادن به زندگی فردی و اجتماعی در سایه‌ی قرآن؛ هدف اینهاست. اگر در جوامع بشری قرآن حاکم باشد، هم سعادت دنیا هست، هم علو معنوی هست. راه سلامت را، راه امنیت را، راه امنیت روانی را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه عزت را قرآن به روی ما باز میکند؛ راه زندگی درست را و سبک زندگی سعادت‌آمیز را قرآن به روی ما باز میکند. ما از قرآن دوریم. اگر با قرآن آشنا شویم، با معارف قرآن انس پیدا کنیم و فاصله‌ی خودمان را با آن چیزی که قرآن برای ما خواسته است، بسنجیم، حرکت ما سریع‌تر خواهد بود؛ راه ما روشن‌تر خواهد بود؛ هدف این است.

بیانات در محفل انس با قرآن / ۱۳۹۲/۰۲/۱۹

هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «انی تارک فیکم الثقلین» یا «انی تارک فیکم الثقلین»؛ (۱) دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم.

بیانات در محفل انس با قرآن / ۱۳۹۲/۰۲/۱۹

یک مسئله، مسئله‌ی احترام‌ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئله‌ی بالاتر، تخلق به اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن. یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه‌ی ما و کشور ما بعمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و جانشان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز اینجوری است. در حالی که قرآن به ما می‌آموزد: «و ان تطع اکثر من فی الارض یضلک عن سبیل الله ان یتبعون الا الظن و ان هم الا یخضون». آنچه که انسان جا دارد آن را فرا بگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، عبارت است از طریق هدایت؛ «صراط الذین انعمت علیهم»؛ از خدای متعال میخواهیم که ما را هدایت کند به راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند؛ این است که باید از آن تبعیت و پیروی کرد. یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است؛ این هم قرآنی است. یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است؛ اینها شد معیار. آنچه که بندگان برگزیده‌ی خدا، معصومین عبدالله به ما یاد دادند، این میشود معیار؛ معیار اینها است. اینکه حالا مردم کشورهای غربی، مردم مادی، مردم فلان بخش از دنیا، در رفتارشان، در اعمالشان، در مسائل زندگی‌شان، در ارتباطاتشان، در تشکیل خانواده، اینجور عمل میکنند، ما هم باید اینجور عمل کنیم، این خطا است. هدایت قرآن را باید در زندگی خود حاکم کرد. ما بحمدالله هم قرآن را داریم، هم کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم؛ که «انی تارک فیکم الثقلین» یا «انی تارک فیکم الثقلین»؛ دو چیز گرانبها را در بین شما گذاشتم. هر دو بحمدالله در اختیار ما است؛ باید از اینها استفاده کنیم، جامعه را بر اساس اینها شکل دهیم.

بیانات در دیدار شاعران / ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

در مسائل مربوط به جامعه و زمان خودمان هم شاعر دارای مسئولیت است. امروز یک حرکت عظیم تاریخی از درون جامعه‌ی ما به وجود آمده و الهامبخش مجموعه‌های بزرگ بشری شده؛ این یک واقعیت است. مواجهه‌ی انقلاب اسلامی با نظام سلطه‌ی بین‌المللی، ایستادگی در مقابل زورگوئی‌ها، از سوی یک ملتی که دوپست سال یا بیشتر زیر بار زورگوئی‌های دیگران بوده، و برافراشتن پرچم آزادی و آزادگی در این کشور، چیز خیلی مهمی است؛ این باید در شعر شاعران ما ظهور پیدا کند. همچنین آنچه که در پی این آزادی آمد. من بارها در همین جلسه و جلسات دیگر گفته‌ام که مسئله‌ی جهاد نظامی هشت‌ساله‌ی ما چیز کمی نبود، چیز مهمی بود؛ که به نظر من در شعر ما خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین جهاد بنای جامعه‌ی اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر روبش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث میکنیم، همه شکلها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام یک جهاد است؛ حضور در این جهاد از طریق شعر، باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین مسائل مربوط به تاریخ، مربوط به زمانه. امروز بیداری اسلامی یک مسئله‌ی مهم است، مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی مهم است؛ اینها باید در شعر ما سهم داشته باشند، ما در شعرمان باید به اینها بپردازیم.

بیانات در دیدار شاعران / ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

ما این دو بخش شعر را به رسمیت میشناسیم؛ هم آنچه که مربوط به احساسات است، هم آنچه که مربوط به بیان دلتنگی‌ها است. لیکن یک بخش دیگر هم هست که اندیشه‌ی شاعر است، حکمت شاعر است؛ این نباید مغفول‌عنه قرار بگیرد. شما سعیدی را ببینید؛ قله‌های شعر ما اینهاست دیگر؛ سعیدی از همان - به قول شماها - شاعرانه‌ها، عاشقانه‌ها و احساساتی‌ها فراوان دارد، از آن دلتنگی‌ها هم زیاد دارد؛ هم در «بوستان» دارد، هم در غزلیات و جاهای دیگر دارد؛ اما حکمت سعیدی را مشاهده کنید چطور در شعر او گسترده است. سعیدی را به عنوان یک حکیم میشناسیم. این است که کسی مثل سعیدی را، کسی مثل حافظ را، کسی مثل صائب را به قله میرساند. حکمت، اندیشه‌ی حکیمانه، مسائل لازم برای آموختن به انسانها، اینها را فهمیدن و در شعر گنجاندن و بیان کردن - که معارف دینی و معارف انسانی و سبک زندگی جزو برترینهاست - اینها مسئولیت‌های شاعر است.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۶

مسئله‌ی «سبک زندگی» - که بنده سال گذشته در سفر بجنورد آن را مطرح کردم و مورد استقبال هم قرار گرفت - مسئله‌ی مهمی است. بحث درباره‌ی مسائل سبک زندگی، اظهارنظر، موافقت، مخالفت، در مواد گوناگون؛ اینها بحث‌هایی است که دانشگاه را زنده و بانشاط نگه میدارد. اینجور بحث‌های مهم و ناظر به واقعیتها، خون در رگهای این پیکره‌ی عظیم جاری میکند.

دیدار ائمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

یکی از مسائلی که باید در خطبه‌های نماز جمعه مورد توجه جدی قرار گیرد، موضوع سبک زندگی و بحث‌های کاملاً مستند و زنده در این خصوص است.

دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

تهران، از یک طرف نماد آبادانی، صلاح، سعادت و سبک زندگی در کشور است و از طرف دیگر به عنوان الگو و خط‌دهنده برای شهرهای سراسر کشور، مطرح است.

دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

باید هرچه ممکن است محیط زندگی شهر، بگونه‌ای طراحی و ساخته شود که تحقق سبک زندگی اسلامی راحت‌تر، امکان‌پذیر باشد.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور / ۱۳۹۳/۰۲/۱۷

معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق‌آموزی در کار او باشد. اگر تعلیم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل میشود:...

[عرصه] سوم، رفتار و اخلاق؛ آموزش رفتاری، آموزش اخلاقی و همین که در بیانات وزیر محترم بود: سبک زندگی، نوع رفتار. ما ملتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قله‌های ترسیم‌شده‌ای - که حالا اگر مجال شد، چند جمله‌ای در این زمینه بعداً عرض خواهیم کرد - که میخواهیم خودمان را به این قله‌ها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از تبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مودبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل میشود. همه‌ی انسانها هم قابل تربیتند. بعضی ممکن است دیرپزیرتر باشند، بعضی زودپزیرتر؛ بعضی تربیت در آنها ماندگارتر باشد، بعضی کم‌دوام‌تر؛ اما همه‌ی انسانها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل میشود؛ این در درجه‌ی اول به‌عهده‌ی چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلم است. البته پدر، مادر، رفیق و مانند اینها هم موثرند، لکن تاثیر معلم یک تاثیر عمیق‌تر و ماندگارتری است؛ این کاری است که معلم باید بر عهده بگیرد.

ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت» / ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

«سیاست‌های کلی جمعیت»

...

۵- ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی- ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۳/۰۲/۲۱

دنیا در یکی دو قرن اخیر، با بروز پدیده‌ی ننگین و شوم استعمار و استکبار بین‌المللی، دچار آفت‌های بزرگی شد؛ مهم‌ترین این آفتها نظام سلطه است. نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملتها به دو گروه تقسیم بشوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. دولتهای استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور بگویند، در اقتصاد ملتها، در فرهنگ ملتها، در سیاست‌ورزی ملتها، در تربیت ملتها، در سبک زندگی ملتها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد.

خطبه‌های نماز عید سعید فطر / ۱۳۹۳/۰۵/۰۷

سال گذشته از مردم عزیزمان خواهش شد که تشریفات افطار را کم کنند، کمیت ضیافت‌شوندگان در افطار را افزایش بدهند؛ امسال در مراکز عمومی، در مراکز مقدس، در خیابانها، در حسینیه‌ها، در جای جای کشور، خبرهایی که به ما رسید، نشان‌دهنده‌ی این بود که مردم همت کرده‌اند و این کار را توسعه داده‌اند. توصیه‌ی این حقیر این است که این‌جور چیزها را - که در شکل دادن به سبک زندگی اسلامی تاثیر میگذارد - هرچه بیشتر توسعه بدهید.

حکم آغاز دوره‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۹۳/۰۷/۲۶

عرصه‌های کلیدی و اساسی همچون تولید علم، سبک زندگی، آموزش و پژوهش، فرهنگ عمومی، مهندسی فرهنگی، حوزه‌های مهمی هستند که ساماندهی آن در جمهوری اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی سپرده شده است.

انتصاب آقای محمد سرافراز به ریاست سازمان صدا و سیما / ۱۳۹۳/۰۸/۱۷

سازمان صدا و سیما با مأموریت خطیر «هدایت و مدیریت فرهنگ و افکار عمومی جامعه» به مثابه دانشگاه عمومی، با تکیه بر فعالیت‌ها و برنامه‌های حرفه‌ای پیشرفته و عمیق رسانه‌ای، وظیفه گسترش دین و اخلاق و امید و آگاهی و ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی در میان آحاد ملت را بر عهده دارد.

بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام / ۱۳۹۳/۰۱/۲۰

امروز کشور ما، ملت ما و دنیای اسلام محتاج درست فهمیدن، درست عمل کردن و ایستادگی کردن است. ملت ایران الگو است؛ در میان ملت، جوانان موتور حرکتند. این جوانها در اختیار شما هستند؛ یعنی شما با یک نگاه ملاحظه خواهید کرد که به یک معنا موتور حرکت دنیای اسلام، زیر کلید شما است. معارف دین را تبلیغ کنید.

آنچه را مردم احتیاج دارند و آنچه را این جوانها احتیاج دارند برای پاک بودن، برای پاک زیستن، برای سبک زندگی اسلامی، برای مسلمان شدن به معنای واقعی کلمه، برای عاقبت به خیری، به اینها یاد بدهید؛ این در اختیار شما است.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

در همه‌ی مسائل زندگی - در دانش، در مدیریت، در پیشبرد سبک زندگی، در حفظ ارزشهای انقلابی؛ در همه‌ی مسائل مهم - همین چند نکته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نوآوری و ابتکار را در همه‌ی کارها مورد توجه جدی قرار داد، هم زیبایی و چشم‌نوازی را، هم پرمغز بودن و پرمضمون بودن را؛ از کارهای سطحی

در همه‌ی مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف‌نظر کرد و به کارهای عمیق، پرمغز و ماندگار توجه کرد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۴/۰۲/۲۰

از جمله آرمانها، عدالت‌خواهی است؛ همین حرفهایی که بعضی از برادرها اینجا گفتند. مسئله‌ی عدالت‌خواهی خیلی مهم است، شعب گوناگونی دارد؛ به اسم هم اکتفا نباید کرد، باید واقعا دنبال بود. از جمله، مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی است. از جمله، آزادی‌خواهی است؛ آزادی نه به‌معنای غلط و منحرف‌کننده‌ی غربی که معنای آزادی این است که دختر این‌جوری زندگی کند، پسر این‌جوری زندگی کند. لعنت بر آن کسانی که برخلاف سنتهای اسلامی و سنت ازدواج، با سنت ازدواج صریحا مخالفت میکنند و بعضی از منشورات ما و دستگاه‌های فرهنگی ما متاسفانه این را ترویج میکنند؛ باید با اینها مقابله کرد. مسئله‌ی آزادی‌خواهی در اندیشه، در عمل فردی، در عمل سیاسی، در عمل اجتماعی و در جامعه که معنای آزادی‌خواهی در جامعه همان استقلال است.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلا با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون جمعیت با پیشرفت‌های شگرف مادی و علمی و صنعتی و با استقرار معنویت و عدالت؛ ببینید چه میشود؛ چه جاذبه‌ای در بین آحاد بشر -مسلمان و غیر مسلمان- به‌وجود می‌آورد؛ میخواهند این اتفاق نیفتد. حیات طیبه یعنی این؛ یعنی برویم به‌سمت یک چنین وضعی برای زندگی کشور؛ انقلاب میخواهد ما را به اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلیقات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به‌سمت حیات طیبه تمام‌نشدنی است. الا الی الله تصیر الامور؛ (۹) این همان سیوروت به سمت خدا [است]. سیوروت یعنی حالی‌به‌حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روزبه‌روز بهتر بشود؛ این را میگویند سیوروت؛ بشر به سمت خدا سیوروت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این سیوروت در آن وجود داشته باشد؛ این سیوروت تمام‌نشدنی است؛ همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است.

بیانات در دیدار روسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری / ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

غربی‌ها برای دانشگاه ما برنامه‌ریزی داشتند. این هم که من عرض میکنم، از روی اطلاع و محاسبه عرض میکنم؛ این حرف منبری و سخنرانی نیست؛ نه، این تحقیق‌شده است؛ کسانی که اهل تحقیق هستند در مسائل جامعه‌شناسی و اجتماعی یا مسائل سیاست خارجی و مانند اینها، کاملا تحقیق کرده‌اند. غربی‌ها برای آنچه آن را جهان سوم مینامیدند، برنامه‌ریزی کردند برای تربیت آدمهایی که در این کشورها با اخلاق آنها، با شیوه‌ی آنها، با سبک زندگی آنها تربیت بشوند و رشد کنند و اداره‌ی آن کشور را به عهده بگیرند؛ این برنامه‌ی بوده که آنها ریختند. برای دانشگاه ما هم آنها یک چنین برنامه‌ی داشتند؛ یعنی میخواستند دانشگاه ما پلی باشد به‌سمت سرازیر شدن هرآنچه غربی‌ها مایلند در ایران اتفاق بیفتد؛ نظر آنها این بود اما نشد؛ یعنی دانشگاه ما در خدمت اهداف غرب عملا قرار نگرفت؛ این یکی از مسائل بسیار مهم و نکات بزرگ کشور ما است. آنها میخواستند دانشگاه محل پمپاژ افکار غربی و سبک زندگی غربی باشد، خوب تا حدودی هم در یک جاهایی موفق شدند، در این تردیدی نیست -آن کسانی که در راس کار بودند؛ بخصوص در همان دوره‌ی تاسیس دانشگاه در زمان رضاخان، آنها کسانی بودند که سرتاپا معتقد به غرب و به تمدن غربی بودند که حرفهایشان را شنیده‌اید- اما در نهایت موفق نشدند؛ [چون] هویت ایرانی کار خودش را کرد

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج / ۱۳۹۴/۰۹/۰۲

نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله‌ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد موثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تاثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند -البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همان‌جوری تشخیص بدهی که آن مامور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی.

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های بسیج / ۱۳۹۴/۰۹/۰۲

نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله‌ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد موثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تاثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند -البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همان‌جوری تشخیص بدهی که آن مامور عالی‌رتبه‌ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی.

بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور / ۱۳۹۴/۱۰/۱۲

نماز جمعه قلب فرهنگی هر شهر است؛ مرکز فرهنگی هر شهر، نماز جمعه است؛ البته شرایطی دارد که حالا بعضی از اینها را عرض خواهیم کرد. جایی است که آنجا هدایت‌گری انجام میگردد؛ من تاکید میکنم این هدایت‌گری صرفا هدایت‌گری سیاسی نیست، هدایت‌گری سیاسی و فرهنگی است. ما گمان نکنیم که اگر فرض کنید در فلان مسئله‌ی سیاسی روز که محل ابتلا هم هست، داد سخن دادیم و حرف زدیم و مطالب خودمان را با بیان شیوا بیان کردیم، قضیه تمام شد؛ نه، ما هدایت‌گری فرهنگی را از هدایت‌گری سیاسی بنیانی‌تر میدانیم؛ هدایت‌گری سیاسی خیلی لازم است و از آن نباید صرف نظر کرد، اما هدایت‌گری فرهنگی و فرهنگ مردم، اخلاق مردم [مهم‌تر است].

فرض بفرمایید که مسئله‌ی سبک زندگی که ما سه چهار سال پیش مطرح کردیم، یکی از مسائل مهم است. سبک زندگی شععی دارد؛ یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان ملت ایران و دشمنان اسلام این است که سبک زندگی مسلمانان را عوض کنند و شبیه به سبک زندگی خودشان بکنند. واقعیت‌های زندگی، در فکر انسان اثر میگذارد؛ رفتار روزانه در دل و روح انسان اثر میگذارد -هم روح خود انسان، هم روح مخاطبان و معاشران انسان- اینها میخواهند این را تغییر بدهند.

اسلام یک سبک زندگی برای ما آورده است. فرض بفرمایید ادب، یکی از کارهای مهم ادب است. فرنگی‌ها در برخورد‌های معمولی‌شان خیلی مقید به ادب نیستند؛ ما ایرانی‌ها از قدیم معروف بودیم به اینکه در گفتارهایمان، در مخاطباتمان ملاحظه‌ی ادب را میکنیم؛ احترام طرف مقابل را حفظ میکنیم. اینها میخواهند این را عوض کنند و متاسفانه یک جاهایی هم موفق شده‌اند. فرض کنید شما با یکی مخالفت کنید، می‌خواهید راجع به او حرف بزنید؛ دوجور میشود حرف زد؛ یک‌جور

میشود هتاکانه و بی‌باکانه و بی‌ادبانه حرف زد؛ یک‌جور هم میشود مودب حرف زد. شما ببینید در قرآن کریم در بسیاری از موارد وقتی صحبت از فاسقین است، صحبت از کافرین است، صحبت از بدهای اشرار عالم است، میفرماید: و لکن اکثرهم لا یعلمون؛ (۱) نمیگویند همه آنها؛ ملاحظه میکنید؛ بالاخره یک اقلی هستند بین همینها که اینها تعقل دارند؛ قرآن کریم ملاحظه‌ی حق آنها را میکند و «اکثرهم» میفرماید.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

شکلی نظام انقلابی لازم است اما تا وقتی که این انقلاب بتواند پایه‌های خود را محکم کند و اهداف خود را تحقق ببخشد، تدریج وجود دارد، مرور زمان لازم دارد. اگر چنانچه آن هدفها از یاد رفت، آن حادثه فراموش شد، آنوقت آن‌جوری میشود که در خیلی از کشورهای بظاهر انقلابی دیده شد؛ بعضی انقلابها در نطفه خفه شد - مثل همینهایی که در زمان ما، همین چند سال اخیر، اتفاق افتاد و واقعا در نطفه خفه شد- بعضی هم بعد از به دنیا آمدن جوان مرگ شدند. علتش همین بود؛ علتش انحراف بود از هدفهایی که اعلام شده بود. آن هدفها بایستی باقی بمانند؛ هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی به معنای واقعی - که عزت دنیا و آخرت در زندگی اسلامی است- هدف تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی که در آن جامعه، هم علم هست، هم عدل هست، هم اخلاق هست، هم عزت هست، هم پیشرفت هست. هدف اینها است؛ ما به این هدفها هنوز نرسیده‌ایم و در نیمه‌راه این هدفها هستیم.

بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان / ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

یکی دیگر از عرصه‌ها مسئله‌ی فلسطین است؛ یکی از عرصه‌ها مسئله‌ی مقاومت است؛ یکی از عرصه‌ها مسئله‌ی رواج فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی است که اگر در یک کشوری سبک زندگی مورد قبول و مورد ترویج غربی‌ها یا آمریکایی‌ها رواج پیدا نکند، نخبگان آن جامعه تبدیل میشوند به بره‌های رامی در مقابل سیاستهای آمریکا و غرب و همان قدرت مقابل؛ اصرار دارند که این اتفاق بیفتد، و جمهوری اسلامی میخواهد نگذارد این اتفاق بیفتد.

برنامه یک روز رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۲/۲۰

همه باید تلاش کنیم، شما یک جور تلاش می‌کنید، من یک‌جور تلاش می‌کنم. خب، الحمدلله شما جوان هستید، تلاش‌تان هم آسان‌تر و هم موفق‌تر است. ما دیگر سنین پیری و در واقع به‌طور متعارف سنین بازنشستگی‌مان است. منتها ما بازنشستگی نداریم، ما تا آن دم آخر باید حرکت کنیم. لکن کار خودمان را می‌کنیم.

من به شما عرض بکنم، بنده همین روزهایی که الان در خدمت شما هستیم من کارم را از ساعت پنج صبح شروع می‌کنم. یعنی شروع کار من از ساعت پنج صبح است. بعد از نماز صبح می‌روم مشغول کار می‌شوم، تا بعد بیایم و درس بگویم، بعد برویم یک استراحتی بکنیم، باز مشغول کار بشویم تا ظهر و تا عصر و حالا تا هر وقت که بشود، تا شب.

الان هم که نزدیک ساعت ده است، بنده ساعت ده و ربع، ده و نیم معمولا دلم می‌خواهد بخوابم اگر بشود.

کار باید کرد برادران هرچه می‌توانید از این جوانی استفاده کنید، جوانان‌تان را هم تشویق کنید کار بزرگی در پیش دارید برای اداره این کشور، این کشور به شما جوانها در آینده احتیاج دارد.

دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

با بهترین روش‌ها، مردم را به عبادات و طواهر و مصادیق دینی از جمله صدق، امانت، تقوا، ترک منکر، امر به معروف و سبک زندگی صحیح، هدایت کنید.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

استقلال اقتصادی مهم است، [اما] اول در زمینه‌ی فرهنگی عرض بکنم؛ استقلال فرهنگی به اعتقاد بنده از همه‌ی اینها مهم‌تر است. استقلال فرهنگی در این است که سبک زندگی را، سبک زندگی اسلامی - ایرانی انتخاب بکنیم. بنده در باب سبک زندگی دو سه سال قبل از این مفصل صحبت کردم؛ سبک زندگی از معماری، از زندگی شهری، از زیست انسانی، از پیوندهای اجتماعی تا همه‌ی مسائل گوناگون را شامل میشود. تقلید از غرب و از بیگانه در سبک زندگی، درست نقطه‌ی مقابل استقلال فرهنگی است. امروز نظام سلطه بر روی این مسئله دارد کار میکند؛ همین مسئله‌ی مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، اینها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، اینها ابزارهایی هستند که میتوانند مفید واقع بشوند اما سلطه‌ی دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد. نمیتوانید شما برای اینکه مثلا فرض بفرمایید رادیو و تلویزیون داشته باشید، رادیو تلویزیون‌تان را بدهید در اختیار دشمن؛ اینترنت هم همین‌جور است، فضای مجازی هم همین‌جور است، دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی هم همین‌جور است، اینها را نمیشود در اختیار دشمن قرار داد؛ امروز در اختیار دشمن است؛ وسیله و ابزار نفوذ فرهنگی است؛ ابزار سلطه‌ی فرهنگی دشمن است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی ایرانی که ما مطرح کردیم، خب این درخور بررسی است، این را تبیین کنید، هم خودتان عملا و هم تبیینی.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

هفتم، سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله‌ی مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداقهایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی من باب مثال در مسیرها. حالا بنده در آن مثالهایی که آن دو سه سال قبل از این راجع به این قضیه زدم، مسئله‌ی پشت چراغ قرمز ایستادن را هم مثال زدم؛ همین موضوع را میشود گسترش داد؛ میشود تبیین کرد. کار شماها است؛ کار شما جوانها است که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، [هم] توانایی‌اش را دارید؛ خب، بکنید این کارها را.

بیانات در دیدار انجمن جماعات مساجد استان تهران / ۱۳۹۵/۰۵/۲۱

مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت میکنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آنوقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن میشود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تاثیر قرار گرفتن نسبت به یافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت میکنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگردد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد.

بیانات در دیدار انجمن جماعات مساجد استان تهران / ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت‌تأثیر قرار گرفتن نسبت به یافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۵/۰۶/۰۲

اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعا مسئولیت دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر، سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه میشود!] بنده طرفدار جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم، میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، غیر از اجازه دادن به دشمن است که از دالان آزاداندیشی و آزادعملی بخواند ضربه بزند به [کشور].

بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی / ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

ما در بیان زندگی‌نامه‌ی شهیدان سعی کنیم خصوصیات زندگی اینها و سبک زندگی اینها و چگونگی مشی زندگی اینها را تبیین کنیم، این مهم است. خب، هیجان جنگ و رفتن در میدان جنگ یک مسئله است که چیز باارزشی است که کسانی جانشان را کف دست بگیرند و بروند بجنگند؛ لکن روحیات، خصوصیات زندگی، سابقه و پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی شخص هم یک مسئله‌ی دیگری است که این خیلی مهم است. این شهیدی که شما از یاد او و فداکاری او و شهادت او در میدان جنگ به هیجان می‌آید، در داخل زندگی خانوادگی چه‌جوری مشی می‌کرده، در محیط عادی زندگی چه‌جوری عمل می‌کرده؛ اینها خیلی مهم است؛ یا نسبت به مسائلی که امروز برای ما مهم است، اینها چه‌جوری عمل می‌کرده‌اند.

فرض بفرمایید که ما امروز در مورد اسراف، در مورد تعرض و تجاوز به اموال بیت‌المال، درباره‌ی اشرافیگری حساسیت نشان میدهم، یعنی [اینها] چیزهایی است که امروز برای مجموعه‌ی دلسوز جامعه‌ی ما مسائلی مهمی است، مسائلی مطرحی است؛ این شهادت عزیز ما آن روزی که زنده بودند و زندگی میکردند در داخل شهرهایشان، در داخل خانواده‌هایشان، نسبت به این قضایا چه‌جوری بودند.

تلویزیون یک برنامه‌ی را دیروز پربروزها پخش میکرد از بعضی از شهدا که بنده تصادفا چند دقیقه‌ای دیدم؛ آنچه درباره‌ی آن شهیدان گفته میشد، یا در وصیت‌نامه‌ی آن شهیدان درج شده بود، انسان را واقعا از عظمت روحی این شهید متحیر میکند. می‌گوید من درس خواندم و می‌ترسم که این درس خواندن من - که خرجی برایش شده و هزینه‌ای شده - تحمیل بر بیت‌المال بوده و این به گردن من باشد؛ وقتی که من شهید شدم موتور گازی من را بفروشید، پولهای بانک من را بگیرید، بروید بدهید به بیت‌المال به‌جای آن! اینها درس است؛ اینها درس است.

وضع عادی زندگی‌کردن شهدا چه‌جوری بوده؟ فرض بفرمایید ازدواجشان؛ در این خاطرات شهدا که زندگینامه‌ی شهدا [است] - حالا تا آن مقداری که بنده دیده‌ام و خوانده‌ام و نگاه کرده‌ام - در چند مورد بحث ازدواج اینها مطرح میشود؛ چگونگی ازدواج اینها، رفتار اینها در گزینش همسر - دنبال چه‌جور همسری بودند - بعد مراسم ازدواج، بعد نوع رفتار با خانواده‌ها، اینها همه قله‌های اخلاق اسلامی است. امروز ما گرفتاریم؛ ما امروز به این چیزها احتیاج داریم. امروز جوان ما برای ازدواج، برای گزینش همسر چه‌جوری فکر میکند و چه‌جوری باید فکر کند؟ آن الگو را باید در مقابل او نگه داشت؛ اینها الگو هستند، شهدای ما الگو هستند. گاهی بعضی‌ها پیش ما شکایت میکنند که ما الگو به جوانهایمان نشان نمیدهیم؛ خب، این هزاران الگو؛ ۳۰۰۰ الگو در این استان، ۱۸۰۰ الگو در این استان، و هزاران الگو در استانهای گوناگون، اینها را برجسته کنید؛ سیمای منور اینها را درست در مقابل چشم جوانها نگه دارید. من البته با این آلبوم و مانند اینها مخالفتی ندارم اما کار [اصلی] اینها نیست؛ بیان آنچه اینها در زندگیشان عمل میکردند، چه‌جوری عمل میکردند، چه‌جوری رفتار میکردند، چه‌جوری خرج میکردند، به وظیفه‌ی چه‌جوری نگاه میکردند، این یکی از آن مسائل بسیار مهمی است که میتواند الگوسازی کند.

دیدار جمعی از شاعران مذهبی‌سرا با رهبر انقلاب / ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

«مسئله‌ی سبک زندگی و وظیفه‌ی شاعران دینی در قبال آن» نکته‌ی دیگری بود که رهبر انقلاب اسلامی به آن اشاره کردند و افزودند: امروز در اروپا و آمریکا مراکز و دستگاه‌هایی با هدف مشخص و اعلام‌شده برای تغییر سبک زندگی در کشورهای غیرغربی به‌ویژه ایران اسلامی وجود دارد. حضرت آیت‌الله خاتمی، هدف از هجمه به سبک زندگی اسلامی را ایجاد عزم، اراده و حرکتی مطابق با میل دستگاه‌های غربی خواندند و خاطر نشان کردند: در مقابل این هجمه، دفاع کردن و دور خود حصار کشیدن کافی نیست، بلکه می‌توان با تبیین سبک زندگی اسلامی و بیان مفاهیم و مبانی اخلاقی، سیاسی و فرهنگی در قالب شعر به وظیفه‌ی خود عمل کرد.

دیدار نروزی جمعی از مسئولان کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۱/۲۱

حضرت آیت‌الله خاتمی، هدف پیامبران از مجاهدت‌های مخلصانه را تشکیل نظام دینی و اقامه‌ی حق خواندند و خاطر نشان کردند: در نظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه‌ی ابعاد، منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد.

بیانات در محفل انس با قرآن کریم / ۱۳۹۶/۰۲/۰۶

اگر با قرآن انس گرفتیم، آنوقت این فرصت و این مجال پیدا خواهد شد که صاحبان فکر از قشرهای مختلف، بر روی نکات قرآنی تدبیر کنند، چیزهایی را از قرآن استفاده کنند، استنباط کنند، بفهمند و به سوالات گوناگون جواب بدهند. منظورم از سوالات، شبهه‌ها نیست؛ منظور سوالات درباره‌ی زندگی است، زندگی کردن. الان میلیون‌ها سوال در مقابل ما است. وقتی که یک جامعه‌ای با یک حکومتی، زندگی را به سمت آرمانهایی دارد حرکت میدهد و حرکت میکند، این [جامعه] با هزاران هزار سوال مواجه است؛ در نوع ارتباطات، در نوع رفتار، در نوع موضع‌گیری‌ها، در نوع دشمنی و دوستی‌ها، در نوع برخورد با مال، در نوع برخورد با امور دنیا؛ اینها همه سوالاتی است که مطرح است؛ همه‌ی این سوالات جواب دارد. بشیریت گمراه و بدبخت شد، به‌خاطر اینکه جوابهای درست این سوالات را پیدا نکرد. بدبختی امروز دنیا - بشر - به‌خاطر این است که جوابهای درست را به این سوالات بلد نشد، فرا نگرفت؛ پاسخهای غلط، پاسخهای انحرافی، پاسخهای گمراه‌کننده دریافت کرد، به ذهنش رسید، عمل کرد، [لذا] امروز رسیده به اینجا؛ دنیا امنیت ندارد، صفا ندارد، معنویت ندارد، آرامش روحی ندارد، دل‌های آحاد جامعه با یکدیگر صاف نیست؛ این وضعیت امروز دنیا است، همه‌ی دنیا این‌جور است.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران / ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

اساس کار دعوت انبیا، دعوت به توحید است. دعوت به توحید فقط به معنای این نیست که عقیده پیدا کنید که خدا یک است و دو نیست و این تنها با این خدایان - موجودی که هستند - ارزش الوهیت ندارند؛ فقط این نیست، عقیده‌ی به توحید، یک پایه و استوانه یا زمینه‌ی اساسی یک جهان‌بینی است که زندگی را میسازد. عقیده‌ی به توحید یعنی جامعه‌ی توحیدی به وجود آوردن؛ جامعه‌ای که بر مبنای توحید شکل بگیرد و اداره بشود؛ عقیده‌ی به توحید این است؛ اگر این نبود، دشمنی‌های با انبیا هم به وجود نمی‌آمد. و کذلک جعلنا لکل نبي علوا شیطان الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا؛ این دشمنی‌ها به‌خاطر این است که انبیا آمدند، شکل جامعه را مورد اعتراض و تعرض خودشان قرار دادند؛ یک شکل جدید را، یک هندسه‌ی جدید را برای شیوه‌ی زندگی بشر ارائه کردند.

آن شیوه‌ی زندگی، همان حیات طیبه است که یکی از برادرها این آیه‌ی شریفه را تلاوت کردند: «یا ایها الذین امنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ حیات، حیات طیبه است. من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحییهنو حیوه طیبه؛ یعنی فراتر از این حیات ظاهری یک چیزی وجود دارد که به آن گفته میشود حیات طیبه، آن چیست؟ آن همین زندگی است درحالی‌که با ایمان باشد. زندگی احتیاج دارد به آب و به هوا و به خوراک و به علم و به فناوری و به همه چیز؛ زندگی به همه‌ی اینها احتیاج دارد، منتها اگر چنانچه بدون ایمان شد، این حیات نیست؛ مرده است. این را قرآن حیات نمیداند. حیات آنوقتی است که این مجموعه‌ی تحرکات زندگی و عوامل زندگی همراه بشود با ایمان؛ نور پیدا کند؛ مثل محیط ظلمانی است که در آن نوری تابانده میشود. این شان روحانیت است.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

عیوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم: یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما اشرافیگری است. اشرافیگری متناسفانه از طبقات بالا سرریز میشود به طبقات پایین؛ آدم متوسط -یعنی- از قشرهای متوسط- هم وقتی میخواهد میهمانی بگیرد، وقتی میخواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی میگیرد. این عیب است، این خطا است، این ضربه‌ی به کشور میزند. زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما است در سبک زندگی‌مان.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۲/۰۷

احتیاج است به یادآوری این آرمانها با همان زبان ویژه‌ی جوان مومن انقلابی که از خصوصیاتش صراحت است، از خصوصیاتش شجاعت در گفتار است؛ اینکه شجاعانه حرف خودش را بزند. امروز نسبتاً همین‌جور هم بود؛ ما احساس کردیم یک انگیزه‌ی شجاعانه‌ای وجود دارد برای اینکه بگویند یک چیزهایی را. اگرچه من بعضی حرفها را قبول ندارم اما شجاعت را قبول دارم؛ این احساس روحیه‌ی تهاجم را در جوان دانشجو و جوان انقلابی، من کاملاً قبول دارم. بایستی این ارزشها به‌صورت صریح، هوشیارانه، دائماً مطالبه بشود؛ [از سوی] جوان پای کار. [مقابل] با اشرافیگری؛ یعنی در افکار عمومی، اشرافیگری نفی بشود. وابستگی فکری نفی بشود. بحث کالای ایرانی مطرح است؛ مشکل عمده‌ای که بنده با آن برخورد کرده‌ام، یک مشکل ذهنی نسبت به کالای خارجی است که متناسفانه در یک قشر وسیعی در کشور وجود دارد که از موارث نحس و نجس رژیم طاغوت گذشته است؛ چشم به محصولات خارجی بود و هر چیزی، خارجی‌اش بهتر بود؛ البته کار داخلی قابل ذکر هم آن روز نبود؛ این هنوز باقی مانده. این مشکل، مشکل فکری است؛ یک حرکت عمومی فکری به وجود بیاید برای تحول در این احساسها. مثلاً اگر چنانچه ما بتوانیم این فکر را که «جنس خارجی بهتر است» از ذهنها پاک کنیم، آنوقت خود مردم به‌طور طبیعی میروند دنبال کالای داخلی و برکات و خیرات این کار همه تحقق پیدا خواهد کرد. مطالبه‌ی سبک زندگی اسلامی - ایرانی، مطالبه‌ی فرهنگ دینی، مقابل با لاپالایی‌گری و بی‌تفاوتی و بی‌حالی، مقابل با دین‌ستیزی؛ و همه‌ی اینها با حوصله و صبر و تدبیر.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

قوه‌ی عاقله چیست؟ عقل چیست؟ عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگاهی نیست که محاسبات مادی میکند برای ما؛ نه، العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان؛ عقل این است. العقل یهدی و یبئجی؛ عقل این است. عقل باید بتواند انسانها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قرب میرساند، به مقام توحید میرساند؛ در یک سطح پایین‌تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی میرساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم میکند؛ همه‌ی اینها کار عقل است.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

در مجلس پیغمبر یک نفری به عرض یک مومنی تعرض کرد، به آبروی یک مومنی یک تعرضی کرد -حالا- ندارد در روایت که چه‌جور تعرضی - یک نفر دیگر در همان مجلس از آن مومنی که مورد تعرض قرار گرفته بود دفاع کرد. پیغمبر فرمودند این کاری که تو کردی -که دفاع کردی از آبروی مومن- این حاجز در مقابل آتش جهنم است، این حجاب در مقابل آتش جهنم است؛ سبک زندگی اسلامی یعنی این؛ یعنی «ارحم ترحم»؛ رحم کن تا مورد ترحم قرار بگیری از طرف خدای متعال؛ اینها باید آموزش داده بشود به جوانهای ما. جوان ما باید «اشدا علی الکفار رحما بینهم» [باشد] -همین آیه‌ای که اینجا تلاوت کردند- این‌جوری تربیت بشود؛ در مقابل ظلم بایستد، در مقابل متعرض و متعدی بایستد اما با برادر مومن، با مهربانی، با گذشت رفتار کند؛ باید به جوانمان گذشت را یاد بدهیم. اگر چنانچه امروز این جوان تهذیب نشد، فردا که مسئول یک بخشی شد، کار را یا ضعیف انجام میدهد یا نامطمئن انجام میدهد یا غلط انجام میدهد. این که امروز حاضر است برای شوخی، برای وقت‌گذرانی، برای اشیاع آن حس درونی به کسی تعرض بکند، فردا وقتی‌که در رقابتهای انتخاباتی مثلاً قرار گرفت، حاضر است برای برد خودش آبروی یک انسان مومن را بکلی زیر پا بگذارد؛ این، آن‌جوری میشود دیگر؛ آنجا هم همین تاثیر را میبخشد.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

در مجلس پیغمبر یک نفری به عرض یک مومنی تعرض کرد، به آبروی یک مومنی یک تعرضی کرد -حالا- ندارد در روایت که چه‌جور تعرضی - یک نفر دیگر در همان مجلس از آن مومنی که مورد تعرض قرار گرفته بود دفاع کرد. پیغمبر فرمودند این کاری که تو کردی -که دفاع کردی از آبروی مومن- این حاجز در مقابل آتش جهنم است، (۱) این حجاب در مقابل آتش جهنم است؛ سبک زندگی اسلامی یعنی این؛ یعنی «ارحم ترحم»؛ (۲) رحم کن تا مورد ترحم قرار بگیری از طرف خدای متعال؛ اینها باید آموزش داده بشود به جوانهای ما. جوان ما باید «اشدا علی الکفار رحما بینهم» (۳) [باشد] -همین آیه‌ای که اینجا تلاوت کردند- این‌جوری تربیت بشود؛ در مقابل ظلم بایستد، در مقابل متعرض و متعدی بایستد اما با برادر مومن، با مهربانی، با گذشت رفتار کند؛ باید به جوانمان گذشت را یاد بدهیم. اگر چنانچه امروز این جوان تهذیب نشد، فردا که مسئول یک بخشی شد، کار را یا ضعیف انجام میدهد یا نامطمئن انجام میدهد یا غلط انجام میدهد. این که امروز حاضر است برای شوخی، برای وقت‌گذرانی، برای اشیاع آن حس درونی به کسی تعرض بکند، فردا وقتی‌که در رقابتهای انتخاباتی مثلاً قرار گرفت، حاضر است برای برد خودش آبروی یک انسان مومن را بکلی زیر پا بگذارد؛ این، آن‌جوری میشود دیگر؛ آنجا هم همین تاثیر را میبخشد.

بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

گفتم قانون در پی حل مشکلات واقعی باشد؛ من ملاحظه کردم بعضی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح است و بحث میشود یا تصویب میشود، انسان احساس میکند که تحت تاثیر و اثرپذیری از رسوم غربی است؛ از این باید اجتناب بشود. غربی‌ها نسبت به خانواده هیچ‌گونه اهمیتی ندارند؛ نه اینکه نخواهند، [بلکه] شرایط و سبک زندگی غربی معارض با خانواده به‌معنای واقعی کلمه است؛ این را خودشان هم دارند میگویند و سالها است گرفتارش هستند؛ حالا میخواهند علاج کنند و نمیتوانند علاج کنند؛ یعنی بنیاد خانواده، نهاد خانواده در غرب بشدت تضعیف شده است. حالا ما بیایم چیزهایی را که اینها مثلا راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم؛ نه، این مطرح نیست. ما برای خانواده بایستی قانونی را وضع کنیم که به‌معنای واقعی کلمه، حل‌کننده‌ی مشکلات خانواده‌ها باشد -[اگر] مشکلاتی وجود دارد، حل‌کننده‌ی این مشکلات باشد- تاثر از آن منطقه نباشد.

بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۹۷/۰۲/۲۰

یک مسئله مهم دیگری که فقط مسئله شما نیست، و مسئله کشور است، مسئله اشرافیگری است؛ بلاای اشرافیگری، بلا بزرگی است. برای بنده تصویر یک ساختمان را که با پول بیت‌المال در یک نقطه‌ای ساخته شده است آوردند، من حیرت کردم واقعا که چطور جرئت شده است، چطور دست و دل کسی به او اجازه داده است که پول بیت‌المال را صرف یک چنین چیزی بکند. مسئله اشرافیگری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزشهایی که به وجود می‌آید، دیگر انتهائی ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید.

انتصاب حجت‌الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی / ۱۳۹۷/۰۵/۲۸

رسالت دیگر این سازمان [سازمان تبلیغات اسلامی] رصد و مقابله‌ی هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی-ایرانی مردم خصوصا جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهمی کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن می‌باشند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوپست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیادهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سواستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما موکدا به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران / ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبانهای بی‌حیران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره نشاط در کارها / ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

عن ابی قتاده، قال ابو عبد الله علیه السلام: لیس لحاقن رای، و لا لملول صدیق، و لا لحسود غنی، و لیس بحازم من لم ينظر فی العواقب، و النظر فی العواقب تفتح القلوب. (۱)

لیس لحاقن رای

[امام صادق علیه السلام میفرماید: «حاقن» - یعنی کسی که محصور است به فشار ادرار و غیره- رای ندارد، اصلا. لذا است که در نماز هم مکروه است که انسان زیر فشار، مشغول نماز بشود، چون حواس انسان جمع نیست؛ این اول حدیث. بعد میفرماید: و لا لملول صدیق

آدم ملول، دوست و صدیق پیدا نمیکنند. «ملول» یعنی کم‌حوصله. آدمهایی که خسته‌اند، افسرده‌اند، کم‌حوصله‌اند، همراه و رفیق پیدا نمیکنند. درست است. اگر میخواهید کار جمعی بکنید، با جماعت حرکت کنید، مسابقه بدهید، پیش بیفتید، باید بانشاط باشید؛ اینکه ما مرتب میگوییم نشاط و در صحبتها و گفته‌ها مکرر بنده تکرار میکنم نشاط، بعضی‌ها خیال میکنند که نشاط یعنی رقاصی، که فلان برنامه موسیقی را یا فلان برنامه را فلان جا بگذاریم، در تئاتر بگذاریم، در تلویزیون بگذاریم تا مردم نشاط پیدا کنند! معنای نشاط این نیست؛ نشاط یعنی حوصله‌ی کار، نشاط کار، تحرک، که دل انسان آماده باشد برای حرکت کردن، کار کردن، فعالیت کردن؛ خسته و ملول و افسرده و مانند اینها نباشد؛ این معنای نشاط است. اگر این [جور] شد، آن وقت انسان، همکار هم پیدا میکند، دیگران هم می‌آیند دور شما جمع میشوند، کار را پیش میبرید. بخصوص شما جوانها خیلی به این احتیاج دارید.

بعد فرمود: و لا لحسود غنی

آدمی که حسود است، بی‌نیازی پیدا نمیکنند؛ طبیعت آدم حسود این است؛ و چون نسبت به برخورداری‌های افراد حسادت میکند، یک اثر طبیعی‌ای خدای متعال در این [حسادت] قرار داده که انسان عقب می‌افتد.

و لیس بحازم من لم ينظر فی العواقب

«حازم» یعنی آدم خردمند، باهوش، کسی که کار را محکم‌کاری میکند؛ همه‌ی اینها در کلمه‌ی «حزم» وجود دارد؛ هم محکم‌کاری کردن - به آن بندی که چیزی را محکم میکند، چه زیر شکم شتر را، چه کفش را، میگویند «حزام» - و همچنین به معنای هوشمندی و عقل و خردمندی هم می‌آید؛ مجموعه‌ی اینها در کلمه‌ی حزم هست. میفرماید: آن کسی که عاقبت کار خودش را ملاحظه نکند، خردمند و محکم‌کار نیست. ببینید، اینها همه درس است برای ماها، بخصوص آن کسانی از شماها و ماها که یک مسئولیتی دارند، در یک نقطه‌ای تصمیمی میسازند یا تصمیمی میگیرند. خوب، یک کاری است که آدم خوشش می‌آید انجام بدهد و منفعتی هم دارد اما عاقبتش را در نظر نمیگیرد؛ وارد کار میشود بدون اینکه [عاقبتش را در نظر بگیرد]. فرض کنید که ظهر تابستان آدم وارد حیاط خانه میشود - حالا که حیاط کم است؛ آن وقتهایی که حیاط بود، ما این مثال را که میزدیم، همه میفهمیدند - حوض وسط حیاط پر از آب زلال، انسان هم بدنش داغ شده، عرق کرده، فورا بیراهن را میکند و خودش را می‌اندازد داخل آب؛ کار بدی است؟ نه، اما این آب که شما خود را داخلش انداختی، موج برمی‌دارد، میخورد به یک لیوان بلور قیمتی که گذاشته‌اند روی پاشوره‌ی حوض، می‌افتد میشکند. اگر چنانچه شما از اول فکر این را کرده بودی، جور دیگر میرفتی داخل آب؛ فکر عاقبت را نکردی، فکر دنباله‌اش را نکردی، لذا خود را انداختی داخل آب و نتیجه این شد. آن کسی که فکر عاقبت کار را نکند، حازم نیست.

[مثلا] وقتی که دارید مسابقه میدهید، بدانید طرف مقابل شما در مقابل این حرکتی که شما انجام میدهید، چه حرکتی انجام خواهد داد، فکر آن را بکنید، آن وقت برای آن حرکتی که او بعدا انجام خواهد داد، یک آمادگی‌ای پیدا کنید، بعد حرکتتان را شروع کنید؛ عاقبت کار را دیدن. همه‌ی اینها درس است؛ درسهای فردی هم نیست، درسهای مهمی است برای مسائل مهم کشور، برای اداره‌ی کشور، برای مدیریتهای کلان. البته به درد خانواده و به درد زندگی شخصی هم میخورد. این دستورات اخلاقی این جوری است.

و النظر فی العواقب تفتح القلوب

یعنی اگر ما در عواقب کارمان دقت کنیم، دل را باز میکند، منافذ فکری انسان را، منافذ روحی و معنوی انسان را باز میکند. اگر در عاقبت کارهایمان دقت کنیم، گناه نمیکنیم، فسق نمیکنیم؛ اگر به عاقبت کارمان فکر کنیم، از لغزشهایی که معمولا برای ماها پیش می‌آید، اجتناب میکنیم. هم در مسائل شخصی این جور است، هم در مسائل بزرگ این جور است، هم در مسائل کلان کشوری این جور است. اگر این جور شد، آن وقت دیگر با امید باید پیش برویم.

توصیه‌ی من به همه‌ی کسانی که مدیریتی دارند، مسئولیتی دارند، چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در مدیریتهای گوناگون، این است که افسردگی و ملالت را و بی‌حوصلگی را از خودشان دور کنند، ناامیدی را از خودشان دور کنند، و بدانند که کار دارد پیش میرود، انقلاب حرکت میکند. دیدید به توفیق الهی در بیست‌ودوم بهمن چه حادثه‌ی عظیمی در این کشور اتفاق افتاد. انقلاب است دیگر؛ انقلاب دارد حرکت میکند، پیش میرود. چهل سال از نهضت عظیم این ملت و امام بزرگوار میگذرد و باید همه چیز از پادها رفته باشد، [اما] مردم جوری با این حادثه برخورد میکنند مثل اینکه همین دیروز اتفاق افتاده! جوری می‌آیند به خیابانها

که -آن طوری که به من از جاهای مختلف گزارش دادند- در تهران، در این خیابانهای منتهی به میدان آزادی جمعیت نمیتوانست جلو برود؛ شهرهای دیگر هم همین جور. از همهی سالهای گذشته جمعیت بیشتر آمدند؛ چرا؟ چون تهدید دشمن بیشتر بود، مردم احساس نشاط و احساس تکلیف کردند. کارها دارد پیش می‌رود. بنابراین بی‌حوصلگی و مانند اینها را همه، اعم از مدیران ارشد، مدیران متوسط، مدیران پائین کنار بگذارند؛ این یک، دوم، عاقبت‌اندیشی؛ کاری که میخواهند انجام بدهند، ببینند عاقبتش چه میشود؛ این تصمیمی که شما میخواهی بگیری، این حرکت را تصویب کنی یا رد کنی، بین عاقبتش چه میشود، دنباله‌اش چیست، حرکت دشمن در قبال این چیست، شما چه کار میتوانی بکنی؛ فکر اینها را بکن، بعد آن وقت مخلصا لله عمل کن.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره صفت‌های برجسته اخلاقی / ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

و بهذا الاستناد عن ابی‌قتاده قال:

این چند حدیثی که روزهای قبل خواندیم و این [حدیثی] که امروز میخوانیم، سندهای صحیح و بسیار معتبری دارد؛ ابی‌قتاده هم ثقة است.

قال ابو عبد الله علیه السلام لداود بن سرحان: یا داود ان خصال المکارم بعضها مقید بعض [امام صادق (علیه السلام) میفرماید: بعضی از مکارم اخلاق و خصلتها بستهای به بعضی دیگر است، یعنی با هم ارتباط دارد؛ یا ارتباط علی و معلولی دارد که یکی علت آن دیگری است، یا به نحوی ارتباط عملیاتی و رفتاری با همدیگر دارند.

یقسمها الله حیث یشا

اینها را هم مثل بقیه چیزها از خدا بدانید؛ این را هم خدا میدهد. بله، کار خدای متعال بی‌حکمت نیست و رفتار ما، اختیار ما، و اراده‌ی ما در ایجاب رحمت الهی تأثیر دارد لکن بالاخره آنچه به ما داده میشود، از همهی مکارم، از همهی خوبی‌ها، از همهی نعم -از جمله مکارم اخلاق- از طرف خدا است، خداوند تقسیم میکند؛ به شما یک چیزی میدهد، به دیگری یک چیز میدهد، به آن دیگری یک چیز [دیگر] میدهد.

تکون فی الرجل و لا تکون فی ابنه

گاهی یک صفت خوبی در پدر هست، در پسر نیست. اینکه حالا میگویند زن یا زن [خوب]! اینها خیلی اعتباری ندارد. گاهی اوقات پدر یک صفت خوبی دارد، پسر ندارد؛ عکسش هم هست که پسر یک صفت خوبی دارد که پدر ندارد. اینها ایجاب الهی و انعام الهی است.

و تکون فی العبد و لا تکون فی سیده

این جور هم نیست که موقعیت اجتماعی و شان اجتماعی هم تأثیر داشته باشد؛ نه، گاهی یک صفت خوبی را یک برده‌ای دارد که سید او، ارباب او ندارد. مستخدم شما گاهی اوقات یک خصوصیتی دارد که شما آن خصوصیت را ندارید. یک صفت خوبی در فرد زیردست ما هست که آن صفت در ما نیست؛ یعنی او بالاتر از ما است. خب، حالا این صفات و مکارم اخلاق که این قدر هم درباره‌اش فرموده‌اند، چه چیزهایی است؟ چند صفت را حضرت بیان میفرمایند. اینها واقعا همان جلوه‌های درخشان اسلام است؛ لب اسلام اینها است. این خصوصیات [است] که انسانهای برجسته میسازد و به برکت وجود انسانهای برجسته در یک اجتماع، در یک جامعه بشری، نظام اجتماعی برجسته به وجود می‌آورد و [اگر] انسانهای کریم، انسانهای شجاع، انسانهای باگذشت، انسانهای صادق در یک جامعه‌ای باشند، این جامعه، جامعه برجسته‌ای میشود؛ [البته] عکسش هم صادق است. واقعا انسان باید اینها را مثل در و گوهر گرانبها روی چشمش بگذارد و به دنیا عرضه کند. حالا این صفات چیست؟ اول:

صدق الحدیث

راستگویی. الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافا بهتر و پاکیزه‌تر و طاهراتر است اما در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن همین صفت است؛ صدق الحدیث نیست، راستگویی نیست. راستگویی یعنی چه؟ یعنی شما حرفی را که میزنید، مطابق با واقع باشد. اگر دانستید مطابق با واقع است و گفتید، این راست است؛ اگر نه، نمیدانید مطابق واقع است یا نیست اما میگویید، این صدق نیست. «صدق» عبارت است از اینکه شما چیزی را که میدانید مطابق واقع است، بیان میکنید. فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، یک فضای دروغ در کشور به وجود می‌آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اول «صدق الحدیث» [یعنی] همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم. دوم:

و صدق الناس

با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صدق الناس» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی‌مان، سیاسی‌مان، انتخاباتی‌مان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد؛ «و صدق الناس». این هم دوم.

و اعطا السائل

[اگر سائل] از شما چیزی خواست، به او بدهید اگر چنانچه میتوانید. یک وقت یک فقیری است که از شما سوال نکرده، خب [اگر] به او کمک کنید خوب است اما اگر چنانچه از شما درخواست کرد -سوال کرد یعنی درخواست کرد- آن وقت این مکرمت بزرگی است و او را رد کردن، خلاف مکرمت انسانی است.

و المكافاه بالصنائع (۱)

«صنیعه» یعنی کارهای نیک؛ خدمات نیک به دیگران را میگویند «صنیعه». «مکافئه» به صنایع بکنید» یعنی [اگر] کسی به شما نیکی کرد، شما هم در مقابل به او نیکی کنید. این جور نباشد که نیکی دیگران را با اهمال و احیانا با بدی پاسخ بدهیم. [اگر] کسی به ما نیکی کرده، خب در مقابل باید به او نیکی کنیم. این هم سوم.

بیانات در ابتدای درس خارج فقه درباره مسئله «حیا» / ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

دنباله‌ی حدیث ابی‌قتاده -و صدق الحدیث و صدق الناس و اعطا السائل و المكافاه بالصنائع- است که دیروز عرض کردیم. بعد [در ادامه] میفرماید:

و ادا الامانه

امانت، صرفا امانت مالی نیست. اگر چنانچه کسی یا کسانی، شما یا بنده را در یک امری امین دانستند، این امر امانت در نزد ما است. یک وقت است که این امر پولی است که به ما میدهند تا برایشان نگه داریم، این امانت در پول است؛ یک وقت یک امر ناموسی است، امانت در ناموس است؛ یک وقت یک امر معنوی است [مثلا] فرض کنید که بنده و شما را امین میدانند، یک مسئله‌ی شرعی از ما میپرسند؛ و امانت اقتضا میکند که درستش را بگوییم؛ [یک وقت] درسی پیش شما

میخوانند، امانت اقتضا میکند که درستش را [بگوییم]، مسئولیتهای اجتماعی که دیگر کاملاً روشن است. پس ادا امانت یکی از آن کارهایی است که گستره‌ی وسیعی دارد. این هم یکی از آن خلقیات و مکارمی است که حضرت اشاره فرمودند.

و صلہ الرحم

صله رحم هم یکی از وسایل ارتباط اجتماعی و شبکه‌ی پیوند اجتماعی است. اگر چنانچه خویشاوندان با همدیگر ارتباط داشته باشند، طبعاً آنها را یکی و نیک رفتاری و نیک‌گفتاری هستند، چیزهای خوبی را به همدیگر میتوانند منتقل کنند.

و التودد الی الجار و الصاحب

با همسایه، با «صاحب» - یعنی آن که در سفرمان، در محل کارمان، در رفت‌وآمدهای روزانه‌مان با ما همراه است - تودد کنیم، مهربانی کنیم، ابراز مودت بکنیم؛ این خیلی مهم است. فرض بفرمایید کسی که با شما همراه است، راننده‌ی شما است یا محافظ شما است یا دوست شما است که همراه شما است؛ با او باید تودد کرد، باید ابراز محبت کرد.

و قری الضیف

یکی هم پذیرایی از مهمان است؛ مهمان‌داری و مهمان‌پذیری است که این از خصوصیات است که در اسلام هست که مهمان را معتبر و محترم بشمرند.

و راسهن الحیا

از همه‌ی این صفات بالاتر و در راس آنها «حیا» است. ببینید [این] چقدر اهمیت دارد، و چقدر فاجعه‌بار است سیاستی که امروز در دنیا به وسیله‌ی عوامل قدرتهای ضد بشری برای زدودن حیا رایج است؛ واقعاً الان با یک سیاستی، با یک تدبیری، در همه‌ی دنیا دارد کار انجام میگیرد برای اینکه حیا را از بین مردم بردارند. وقتی هم که میخواهند حیا را بردارند، این شعبی دارد و از راه‌های مختلف و ده‌ها راه وارد میشوند؛ مسئله‌ی اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله‌ی پوشش زن و مرد یک مسئله است، چیزهایی که تحت عنوان حقوق زن بیان میشود، یکی از این پنجره‌های شیطانی است، [همچنین] چیزهایی که در مورد پوشش زن بیان میشود که «آقا چرا مجبور میکنید زنها را به حجاب؟» حرفهایی که حتی بعضی از افراد ظاهرالصلاح هم میگویند. مسئله‌ی حیا خیلی مسئله‌ی مهمی است. دنیا این جور نبوده که امروز هست. حتی انسان آثار هنری و ادبی اروپایی‌ها را که نگاه میکند، تا ۱۵۰ سال پیش، ۲۰۰ سال پیش مطلقاً این خبرها در اروپا نبوده؛ این فساد و این تهنگ و این تهتر را عمدتاً از وقتی که صهیونیست‌ها و سرمایه‌دارها بر امور اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی کشورهای اروپایی مسلط شدند، بتدریج رایج کردند؛ انگیزه‌هایی هم دارند، اهدافی دارند که آن داستان خیلی طولانی و مفصلی است. اسلام نقطه‌ی مقابل این است. حیا برای مرد فضیلت است، برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرت‌ها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف زدن، در اظهار نظر کردن، در تبادل کلمات، حیا را ملاحظه کند. بی‌حیائی یکی از آن چیزهایی است که در حرف زدن و در نسبت دادن و در گفتگو کردن و مانند اینها خودش را نشان میدهد. در عمل هم همین جور است؛ بعضی‌ها هستند که کارهای زشت بزرگی را انجام میدهند، و نگاه میکنند در چشم آدم و هیچ احساس شرم هم از این کار نمیکنند! بعضی از جنایات مالی است، بعضی از جنایات انسانی است؛ انواع و اقسام. بنابراین راس صفات و مکارم اخلاق را فرمودند حیا [است]: و راسهن الحیا. (۱)

بیانات در دیدار اعضای موسسه عالی فقه و علوم اسلامی / ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

یک طرف قضیه یک نظام اسلامی است که اقتصاد هست -حالا. اقتصاد را مثال زدند- حکومت هست، فرهنگ هست، دانش روز هست، فناوری‌های جدید عالم هست، ارتباطات گوناگون اجتماعی هست، سبک زندگی هست؛ دائم تفکرات و نظریات جدیدی که در زندگی اثر میگذارند، دارد در دنیا به وجود می‌آید و صادر میشود؛ اینها هست. ما یک نظامی داریم با این پدیده‌ها و با این حوادثی که پیرامونش و در درونش وجود دارد؛ این [نظام] باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبه‌ی عملی، همان فقه اسلام است؛

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

در داخل متاسفانه بعضی‌ها غرب را بزرگ میکنند، بدی‌های غرب را توجیه میکنند، رتوش میکنند، نمیگذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولتهای ظاهرالصلاح -مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران- در باطنشان چقدر شیطنت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعاتچی‌ها بینشان هست، رسانه‌ای‌ها بینشان هست؛ مثل تقی‌زاده. در دوره‌ی طاغوت، آدمی مثل تقی‌زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرق سر تا ناخن پا غربی بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی‌زاده‌های جدید از این حرفها میزنند؛ البته به این صراحت نمیگویند اما مضمون حرفشان این است. آنها را که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روشهای غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه‌های ما، در مدارس ما تزریق میکنند، پمپاژ میکنند، اینها همین تقی‌زاده‌های جدیدند. آنها را که پشت سر سنند ۲۰۲۰ -سنند ۲۰۲۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی- می‌ایستند، همان تقی‌زاده‌های امروز هستند؛ البته امروز به توفیق الهی جوانهای مومن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

مبارزه و مجاهدت ملت ایران فقط به معنای این نیست که تفنگ دست میگیرد؛ نه، ما با هیچ کس جنگ نمیکنیم؛ تا وقتی که به ما حمله نشود، ما حمله نمیکنیم معمولاً؛ اما در جبهه‌های دیگر [مثلاً] در جبهه‌ی علم پیشرفت میکنیم، در جبهه‌ی اخلاق ان‌شاءالله پیشرفت میکنیم، در جبهه‌ی سبک زندگی پیشرفت میکنیم، حرکت میکنیم. انگیزه‌های جوانهای ما امروز خیلی خوب است؛ همین طور قدمه‌قدم [پیشرفت میکنیم].

بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی / ۱۳۹۸/۰۱/۱۲

بعثت انبیا برای ایجاد یک جامعه‌ی فاصله است؛ همان طور که اشاره کردند، برای ایجاد یک تمدن است. خب، این تمدن همه چیز دارد؛ در تمدن همه چیز هست؛ هم علم هست، هم اخلاق هست، هم سبک زندگی هست، هم جنگ هست. جنگ هم هست، کما اینکه شما ببینید در قرآن چقدر از آیات، مربوط به جنگ است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن / ۱۳۹۸/۰۱/۲۴

قرآن کتاب سعادت بشر است بلاشک سعادت دنیا و آخرت. قرآن فقط برای سعادت آخرت نیست؛ سعادت دنیا را هم قرآن تأمین میکند. سعادت دنیا یعنی برخورداری از نعم الهی در این نشسته؛ این را با قرآن میشود تأمین کرد. میشود ملتها با قرآن، با عمل به قرآن عزت پیدا کنند، رفاه پیدا کنند، دانش پیدا کنند، قدرت پیدا کنند، وحدت و انسجام پیدا کنند، سبک زندگی شیرین پیدا کنند؛ اینها همه امور دنیوی است. آخرت هم که حیات معنوی و حقیقی و مستمر و ابدی است، با قرآن حاصل میشود. پس قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است، به شرط آنکه ما به قرآن عمل بکنیم، ببینیم قرآن چه میگوید.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان / ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

شما [معلمان] در واقع هویت‌سازی فرهنگی میکنید. هویت‌سازی خیلی مهم است؛ هویت‌سازی برای انسانها در یک جامعه خیلی مهم است؛ [انسانها باید] احساس هویت کنند. هویت انسان به فرهنگ او است، به دانسته‌های او است، به سبک زندگی او است.

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان / ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصا مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم میشود. لب کلام و جان کلام در این سند ۲۰۳۰ که فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه‌ی حیات را بر اساس میانی غربی به کودک بیاموزد؛ این آن لب کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان سرباز برای غرب درست کنید.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه / ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

حوزه‌های علمیه، مرکز تعلیم اسلامند. اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ یعنی یک وقت هست که ما اسلام را -که میخواهیم در حوزه یاد بگیریم- فقط عبارت میدانیم از اصول و فروع و اخلاق و همینهایی که هست -[که] واقعیت هم همین است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزشهای اخلاقی، سبک زندگی، آئین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است- خوب اینها را باید برویم در حوزه‌ی علمیه یاد بگیریم. لکن این [برداشت] درست نیست؛ این بخشی از کار حوزه‌های علمیه است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه / ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله؛ (۱۴) معنای «لیطاع» فقط این نیست که اگر گفت نماز بخوانید، نماز بخوانید؛ نه، [معنایش] اطاعت در همه‌ی امور زندگی [است]، یعنی حکمرانی. خوب پس این بخشی از اسلام است، یعنی بخشی از اسلام عبارت است از معارف اسلامی که این معارف شامل عقلیات و نقلیات و ارزشهای اخلاقی و بیان سبک زندگی و شیوه‌ی حکومت است؛ و همه‌ی اینها جزو معارف اسلامی است که دانستن اینها لازم است. این بخشی از اسلام است؛ بخشی از اسلام هم عبارت است از تحقق اینها در خارج؛ یعنی توحید محقق بشود در خارج، نبوت به معنای در راس جامعه بودن تحقق پیدا کند.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه / ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

من الان بین صحبت آقایان که صحبت میکردند، به نظرم رسید این بیانهای خوب، این لحن و ادا و ادبیات مناسبی که الحمدلله طلاب جوان ما دارند، این خیلی امروز مورد احتیاج است. بروید بخش بشوید در سرتاسر کشور؛ حالا هم سنت منبر [هست]. این حرفهای خوب را، این مطالب عالی را در همین زمینه‌های گوناگون به مردم برزید؛ مسئله‌ی سبک زندگی، مسئله‌ی حکمرانی اسلامی، مسئله‌ی مبارزه‌ی با طاغوت، مسئله‌ی استقرار توحید به معنای واقعی کلمه در جامعه، و مسئله‌ی عدالت که جزو اساسی‌ترین مسائل است؛ بروید بگویند اینها را، معرفت مردم را بالا ببرید، گفتمانهای انقلابی در مردم به وجود بیاورید؛ و البته وجود دارد، تقویت کنید.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۸/۰۲/۰۸

نکنه‌ی دیگری که بنده میخواهم عرض بکنم، [درباره‌ی] فضای فرهنگی دانشگاه‌ها است؛ رشد فعالیتهای فرهنگی، این لازم است و به این پرداخته نمیشود. در بعضی از دانشگاه‌ها مطلقا فعالیت فرهنگی وجود ندارد؛ این هم یکی از نقایص است. برادران عزیز، خواهان عزیز! هدف دانشگاه فقط این نیست که معلومات به جوان بدهند؛ هدف، ساختن جوان است؛ ساختن یک انسان والا است با سلاح علم؛ بنابراین اخلاق هم، تربیت هم، سبک زندگی هم از جمله‌ی عناصری است که همراه با علم در دانشگاه باید به جوان داده بشود تا جوان ساخته بشود؛ این چیزی است که ضروری است. دانشگاه‌ها را از لحاظ فرهنگی باید غنی کرد، باید غنای فرهنگی لازم را به دانشگاه [داد].

